

دفعه‌های یک ساله یک ساعت

گزارشی از چهاردهمین همایش سالانه دفتر انتشارات کمک آموزشی

○ اصغر ندیری

در آغاز هر بهار، نشست سالانه دفتر انتشارات کمک آموزشی به گونه‌ای دل‌نشین، نوید بخش تلاش‌ها و رهنمون به سوی خلاقیت‌ها در عرصه ارائه افکار و آثار مطلوب فرهنگی، علمی، هنری، دینی و ترویجی برای اقشار گوناگون در سطح کشور است. حضور ده‌ها استاد دانشگاه، کارشناس، سردبیر و علاقه‌مند حوزه‌های علمی و دینی باعث شده است تا این جلسات به مرکز هم‌اندیشی و نوآوری و نیز محل کالبد شکافی گذشته برای تبیین و مهندسی مسیر آینده تبدیل شود. در ادامه، به گزارشی مختصر از این همایش که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ در مشهد مقدس بر پا شد، توجه فرمایید.



کتاب سبز

دکتر **محمد رضا سنگری**، سردبیر فصل‌نامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی، سال هاست در این مجله فعالیت علمی دارد. وی در گشایش مراسم آغازین نشست دوره چهاردهم و به‌عنوان ورودیه، به آمدن امام زمان (عج) اشاره کرد و گفت: «امام زمان با کتابی خواهد آمد که سه برابر قرآنی است که امروز در دستان ماست. آن روز، سخن ایشان این است که دختر پیغمبر (ص) اسوه من است. یعنی قانون عصر ظهور و جهت حرکت امام زمان بر مبنای آن چیزی است که حضرت زهرا (س) روشن کرده است. این کتاب «مصحف فاطمه» است. در روایت از امام صادق (ع) داریم که این کتاب سه برابر قرآنی است که اکنون در دستان شماست.»

وی با اشاره به وجه نویسندگی حضرت فاطمه (س) گفت: «و عجیب این است که امام صادق (ع) می‌فرماید: هیچ چیز از آن چه در

قرآن است، در این کتاب نیست و این کتاب چیز دیگری است.» دکتر سنگری گفت: «کتاب را حضرت زهرا (س) در فاصله رحلت رسول خدا (ص) تا شهادت خودشان نوشته‌اند؛ یعنی حدود ۷۵ تا ۹۵ روز. دروغا که دست نوشته‌های ایشان در اختیار ما نیست و اما این دست نوشته‌ها در روزگار ظهور در دستان مبارک امام زمان (عج) خواهد بود و بر مبنای آن حکومت خواهند کرد.»

اگر این کتاب را از نظر صفحات با قرآن به خط **عثمان طه** مقایسه کنیم، در حدود ۱۸۰۰ صفحه می‌شود و اگر این عدد به ۹۵ تقسیم شود، دست کم می‌شود نوشتن ۲۵ صفحه مطلب در هر روز. امام صادق (ع) فرموده‌اند که جبرئیل هر روز در خانه حضرت زهرا (س) حاضر می‌شد - در حالی که برای هیچ پیغمبری چنین اتفاقی نیفتاده است - به‌طوری که حضرت زهرا سخنان او را یادداشت کرده و حاصل آن «مصحف زهرا» (س) شده است.

پیش از این نیز هر گاه پیامبر وارد خانه می‌شد، حضرت زهرا (س) مقابل ایشان می‌نشست. قلم و کاغذ آماده می‌کرد و گفته‌های آن حضرت را ثبت می‌کرد. ایشان در خانه هم اتاقی داشت که انبوهی از این نوشته‌ها در آن وجود داشت.»

پاسداشت علم

به همین جهت، باید پاسداشت علم و دانش را از حضرت زهرا (س) الگو بگیریم. می‌گویند: سه روز پس از رحلت پیامبر (ص) عربی از دل بیابان سوار بر شتر آمد و گفت: «تزد چه کسی می‌توانم بروم که سخنان رسول خدا (ص) را از زبان او بشنوم؟» سر انگشت اشاره همه به سمت خانه فاطمه (س) بود.

مرد گفت: «من از شتر پیاده نمی‌شوم تا از شما سخنی از سخنان پیامبر (ص) بشنوم.» حضرت زهرا (س) وقتی در خانه را گشود و این فرد را دید، گفت: «پیاده شو.» و او گفت: «نه. من می‌خواهم سخنان



بلکه واقعاً حضرت زهرا (س) این گونه می‌اندیشید. ایشان صدیقه، راستگو و مظهر صداقت و راستی است. علم را باید این گونه پاس داشت. چنان که ایشان نیز این علم را همین گونه به فرزندان خویش منتقل می‌کرد. و اما حالا! زمانی صحبت تغییر و تحولات در نظام آموزش و پرورش بود و من اعتقاد داشتم که از ۴ یا ۵ سالگی هم می‌شود آموزش را شروع کرد. به این نکته استناد می‌کردم که حضرت زینب (س) در حدود بیش از سی سالگی در محضر پدر نشسته و قرآن می‌خواند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «دخترم، علاقه‌مند هستی که آیات سوره آل عمران را برایت توضیح دهم؟» حضرت زینب (س) عرض می‌کند: «بله پدر. آماده‌ام.» امیرالمؤمنین علی (ع) شروع می‌کند به توضیح دادن. آیاتی است که خود حضرت اباعبدالله الحسین (ع) هم

پیامبر (ص) را همین‌جا و سوار بر مرکب بشنوم و بروم.» حضرت زهرا (س) فُضّه را صدا زد و به او گفت: «در فلان نقطه خانه بگرد و این جمله پیغمبر را بیاور. این جمله، متناسب با حال این شترسواری است که آمده است.» فُضّه رفت و پس از کمی جست‌وجو برگشت و گفت: «نیافتم.» حضرت زهرا (س) گفت که برو و دوباره بگرد، رفت و دوباره نیز جمله مورد نظر حضرت زهرا (س) را نیافت. وقتی آمد و گفت که نیافتیم، حضرت زهرا (س) فرمود: «وای بر تو، برو و این جمله را پیدا کن. چون قیمت و بهای آن نوشته برای من به اندازه هر دو فرزندم است.» فکر نمی‌کنم هیچ‌کسی در زندگی خودش، علم را این گونه پاس بدارد. تصور نکنیم که این فرمایش حضرت زهرا (س) مبالغه بوده است.

**فلسفه زیارت همین است.
یعنی ما می‌آییم تا او شویم.
می‌آییم که در بلافاصله بودن کسی
که او را زیارت می‌کنیم قرار بگیریم
تا نوعی یگانگی اتفاق بیفتد و
این فاصله‌ها را در نور دیدم**

در شب عاشورا می‌خواند. وقتی امیرالمؤمنین علی (ع) به خوبی این آیات را برای حضرت زینب (س) توضیح داد، وی گفت: «پدر جان، تمام حرف‌هایی را که زدی، می‌دانم» معلوم بوده که حضرت علی (ع) از این آیات، نقیبی زده است به اتفاقی که می‌خواهد رخ دهد و آن نیز واقعه کربلا بوده است. بدین ترتیب حضرت علی (ع) می‌خواست که زمینه‌های روانی و فکری دخترش را برای آن حادثه عظیم آماده کند. با وجود این، حضرت زینب (س) می‌فرماید: «همه این‌ها را مادرم پیش از این به من گفته است، تا مرا برای آینده آماده کند.»

در زمان شهادت حضرت زهرا (س)، سن حضرت زینب، ۵ سال بیشتر نبوده است و این نشان می‌دهد که حضرت زهرا (س)، دخترش را در آن سنین برای چالش‌های آینده آماده کرده است. خود این مسئله با نحوه آموزش ما متفاوت است؛ چرا که ما معمولاً کودکان مان را در این سن، از درگیر شدن با تلخی‌ها و سختی‌ها باز می‌داریم. حال آن که در زمان پیامبر (ص)، کودکان از همان کودکی با مسائلی که بعدها قرار است رخ دهد، مواجه می‌شدند. به عنوان مثال، وقتی می‌خواهند خبر شهادت حضرت مسلم را بگویند، حضرت اباعبدالله از دختر پنهان نمی‌کند و او را آماده می‌کند تا با این مسائل مواجه شود و واقعیت‌های زندگی را بدانند.

خوب، پس از این مقدمه‌ای که به تناسب این ایام بیان شد، در باب مسئله زیارت توضیحاتی خواهیم داد.

عناصر زیارت

زیارت عناصری دارد. یکی از این عناصر، خود «زیارت» است. سپس کسی است که به زیارت او می‌رویم یعنی «مزور» و جایی که زیارت اتفاق می‌افتد «مزار» نام دارد. کسی که زیارت می‌کند همان «زائر» است و متنی که معمولاً در این زیارت خوانده می‌شود «زیارت‌نامه» است. و اتفاقی که پس از این می‌افتد این که پس از زیارت چه بکنیم؟ اصل کلمه زیارت از «زور» است. ما واژه نزدیک به این را در قرآن داریم. می‌فرماید: «یجتنب القول الزور»؛ یعنی از قول زور پرهیز کنید. زور یعنی دروغ. و اما در خراسان، ما در معرض نور و در محضر نور و خورشید هستیم؛ درست مثل چیزی که در آتش قرار می‌گیرد و پس از کمی، هویت خودش را گم کرده و کم‌کم به آتش تبدیل می‌شود. اصلاً می‌توانیم بگوییم، فلسفه زیارت همین است. یعنی ما می‌آییم تا او شویم. می‌آییم که در بلافاصله بودن کسی که او را زیارت می‌کنیم قرار بگیریم تا نوعی یگانگی اتفاق بیفتد و این فاصله‌ها را در نور دیدم. تا دیگر شکافی بین ما و او نباشد. او را حس کنیم. تنها اسامی که از میان مجموعه ائمه پاک ما به عنوان «عالم» معرفی شده است، حضرت امام رضا (ع) است. نه این که بقیه دانان نیستند، اما این که گاهی اوقات، یک صفت ویژه برای کسی مطرح می‌شود، جای درنگ و تأمل دارد. حضرت امام رضا (ع)، در چهار راه تاریخی اندیشه‌ها قرار دارد. شاید تعبیری که عرض می‌کنم، یک نظر است و آن هم این که به اعتقاد من، اگر حضرت رضا (ع) را به جبر، به خراسان نمی‌آوردند، به نظر می‌رسد که باید همین آمدن به خراسان را خودش انتخاب می‌کرد؛ یعنی در جایی قرار می‌گرفت که همه اندیشه‌ها می‌آمدند. اگر کسی، عصر حضرت رضا (ع) را مطالعه کند، می‌بیند اندیشه‌های صوفیانه وجود دارد. اندیشه‌های فلسفی یونان در حال ورود است و عصر، عصر ترجمه است و اصل اندیشه در حال گم شدن. شاید این قول، حرف درستی باشد که به حدی این اندیشه‌ها را به جامعه اسلامی تزریق کردند که کم‌کم حساسیت‌های دوره اسلامی گم شد. وقتی

سفره‌های خلیفه را در دجله می‌ریختند و می‌گفتند در یک روز، همه ماهیان دجله سیر می‌شوند، کسی زبان به اعتراض نگشود. حال آن که این‌ها همان مردمی بودند که روزگاری وقتی خلیفه بر منبر نشست و گفت: «اگر در من ضعف و اشتباهی دیدید، به من گوشزد کنید»، ابوذر از میان‌شان برخاست و گفت: «خلیفه! اگر قدمت را کج گذاشتی، با شمشیر کج‌راستت می‌کنم.» اما دیگر این حساسیت‌ها در میان مردم دیده نمی‌شود. این حساسیت‌زدایی و کور کردن نگاه‌ها و این خواب کردن آدم‌ها مربوط به این عصر است. حضرت رضا (ع) نیز همه این اندیشه‌ها را در هم شکست. این است که باید فرصتی فراهم شود تا اندیشه‌های امام رضا (ع) به‌خصوص احتجاجات آن حضرت را با دقت بیشتری بشکافیم. می‌خواهم از دوستان عزیز درخواست کنم که اگر مجالی داشته باشند، به قلمرو علمی و معرفتی حضرت رضا (ع) مراجعه کنند، زیرا مطالب و مباحث فراوانی خواهند یافت. من هیچ کدام از مجلات تخصصی را مستقل از این موضوع نمی‌بینم. هر مجله‌ای باید روی معارف حضرت رضا (ع) کار کند؛ از مجلات کاملاً علمی و علوم پایه گرفته تا مجلاتی که در حوزه علوم انسانی و معارف دینی کار می‌کنند، همه و همه، حرف‌های زیادی درباره حضرت رضا (ع) خواهند داشت.

اما در قرآن، یک بار کلمه زیارت را داریم که با آن آشنا هستید: «الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» در این جا این زیارت را داریم که در ارتباط با دیدار و دیدن کسی است. وقتی به زیارت کسی می‌رویم، چند اتفاق برای ما می‌افتد. اولین مسئله این است که ما به خلاصه خوبی، به همه خوبی و همه عظمت، نزدیک می‌شویم.

نکته دیگری که در زیارت اتفاق می‌افتد، گسترش و تعمیق محبت اهل بیت (ع) است. بدین ترتیب در حوزه معرفتی و محبت قرار می‌گیریم. مجموعه روایاتی که در زمینه حب اهل بیت وجود دارد، چنان چه به چاپ برسد، چندین مجلد می‌شود. اگر ما در کانون معرفت

رضوی قرار بگیریم، این گرما درون ما خواهد ماند.

در کربلا نیز وقتی به مقام **سید ابراهیم مجاب** می‌رسید، چنین امری را می‌بینید. می‌گویند او به سمت مزار حضرت ابا عبدالله سلام کرد و ایشان را به‌عنوان پدر صدا زد. جواب شنید و شد «مجاب». اگر گوش‌های ما هم باز شود، قطعاً جواب سلام خود را خواهیم گرفت.

آداب زیارت

سردبیر فصل‌نامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی با توجه به ورود حضار از تهران، در ادامه به ۱۴ نکته از آداب زیارت اشاره کرد که فهرست‌وار تعدادی از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

- غسل و شست‌وشو برای پاکیزه شدن. این شست‌وشوی بیرونی نوعی تطهیر درونی و خضوع را به‌دنبال دارد. در پی آن هم پوشیدن لباس پاک و نو.

- قبل از ورود، در آستانه یا ورودی بایستید و اجازه بگیرید. اگر در خودتان خشوعی دیدید، وارد شوید.

- وارد حرم شوید. پشت به قبله باشید و رو به ضریح، زیارت‌نامه بخوانید. سلام بدهید و حضور قلب پیدا کنید. گفته‌اند همین قدر که بگویید: «صل الله علی روحک و بدنک» و یا «صل الله علیک یا ابوالحسن» کافی است.

- پس از زیارت دو رکعت نماز به جا آورید. سپس بنشینید و دعا کنید. نکته زیبایی در دعا وجود دارد. امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «من می‌دیدم مادرم تمام شب را برای همسایه‌ها دعا می‌کند و یادی از ما نمی‌کند.» چیزی که الان در فرهنگ ما نیست. آن حضرت همسایه‌ها را می‌شناخت. نام آن‌ها را می‌دانست و به مشکلاتشان وقوف داشت.

- بعد از دعا، کمی قرآن بخوانید.
- به چیزهای دیگر مشغول نشوید. با او همراه شوید و پس از آن که خارج شدید، این حس و حال روحانی را حفظ کنید.

- صدقه بدهید.

- پس از زیارت، پشت به ضریح نکنید. احترام آن را نسبت به مزار حفظ کنید. دیده‌اید که زوار عقب‌عقب می‌روند. این یعنی حفظ حرمت...»

پس از سخنان دکتر سنگری در افتتاحیه این نشست، فیلمی از بارگاه نورانی امام رضا (ع)، شهر مشهد و عاشقان زیارت آن امام همام با موسیقی اثربخش زمینه‌پخش شد که دل بسیاری از دوست‌داران آن خورشید آرمیده در خراسان را ملتهب و چشم ارادتمندان را بارانی کرد. هق‌هق باران مروارید، شانه‌ها را می‌لرزاند و بغض گلوگیر دیدار محبوب در حال خلاصی از حلق عاشقان بود.

مرور گذشته

پس از نمایش فیلم، **محمد ناصری**، مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی، پشت تریبون قرار گرفت و ضمن خوش‌آمدگویی به حضار و سپاس از خدای متعال برای این حضور صمیمی، به تبیین فعالیت‌های دوره گذشته پرداخت.

وی همچنین دو کار عمده دفتر تحت مسئولیت خود را انتشار مجلات رشد و سامان‌بخشی کتاب‌های آموزشی عنوان کرد و گفت: «از این نظر، محتوای کار انجام شده در سال ۱۳۸۹ بسیار قابل تأمل بود. فکر نمی‌کنم در هیچ‌جای نظام آموزش و پرورش ما نسبت به محتوا و منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی و بحث تحول‌بنیادی این همه توجه و کار شده باشد.»

رشد آمار و شمارگان

ناصری افزود: «همین‌جا تأکید می‌کنم مطالباتی که کل نظام از ما دارد، همه در مجلات رشد اتفاق می‌افتد و اکنون اگر عنوانی برای سال خاصی انتخاب می‌شود، مانند سال جهاد اقتصادی، باید به این مقوله در



شوراهای کارشناسی پرداخته شود.

اما یکی از اتفاقاتی که در آموزش و پرورش رخ می‌دهد، عدم تبیین مناسب مباحث است. مثلاً در شاخه دانش‌آموزی به اردوهای جهادی که منشأ برکات بسیاری در روستاهای کشور است، عنایت خاصی نشده است.»

مدیر مسئول مجلات رشد به سیر صعودی شمارگان این نشریات اشاره کرد و گفت: «در کار مطبوعات این عرف است که پنج درصد برای دورریز و انبار در نظر گرفته می‌شود؛ اما چون ما سفارش‌ها را از قبل گرفته‌ایم و با توجه به تلاش‌های آقای شهابلو و دیگر همکاران مرکز توزیع نشریات، این درصد به صفر نزدیک شده است. از طرفی رشدی بالغ بر دو میلیون نسخه تیراژ واقعی در سال گذشته حکایت از رشد شمارگان مجلات رشد دارد.

ما مجله‌ای مثل رشد نوآموز داریم که سالانه بالغ بر ۹/۵ میلیون

تیراژ دارد. ولی اساساً اگر بخواهیم نگاه تیراژی داشته باشیم، به خطا رفته‌ایم. ما در مجلات رشد یک خانواده هستیم و اگر به مخاطب بیندیشیم، جذب ما بیش از این‌ها می‌شود.

از طرف دیگر، بحث کاغذ مطرح بود. طبق توافقات با شرکت افست، قرار بود مجلات دانش آموزی در سال گذشته با کاغذ گلاسه چاپ شود، که البته چنین نشد. مدیر عامل محترم شرکت افست یادآور شدند که چون از قبل کاغذهای مکانیکال در انبار داریم، اجازه بدهید مجلات را با این کاغذها چاپ کنیم. چون حجم کاغذ مصرفی بالا بود، در نتیجه از آن‌ها استفاده کردیم. اما در دوره جدید به قولی که دادیم عمل می‌کنیم و از کاغذهای LWC استفاده خواهیم کرد.»

برکت و خیر سفرهای استانی

با توجه به کاهش تقریبی شمار دانش‌آموزان به‌ویژه در دوره ابتدایی و نیز افزایش شمارگان مجلات رشد، مدیر کل دفتر انتشارات گفت: «از دلایل مهم ازدیاد تیراژ مجله‌ها، سفرهای استانی و دیدار چهره‌به‌چهره سردبیران، مدیران و عوامل مجلات است که در تهیه محتوای نشریات دخیل هستند. در سفری که به استان سیستان و بلوچستان داشتیم، مدیر کل و معاون آموزشی آموزش و پرورش استان به من گفتند: «در این سال‌ها این که حدود ۱۸ نفر از وزارت‌خانه به استان ما بیایند و بین معلم‌ها و دانش‌آموزان بروند، اتفاق بی‌نظیر و مهمی بود.»

فعالیت‌های دیگر

دفتر انتشارات کمک آموزشی فعالیت‌های دیگری در راستای شرح وظایف خود دارد. ناصری با برشمردن یک‌یک آن‌ها به برگزاری جشنواره کتاب‌های آموزشی، نظرسنجی ملی از مخاطبان مجلات در قالب پژوهش و ارزیابی و تحلیل مجلات اشاره کرد و ادامه داد: «کتاب‌های آموزشی به‌طور طبیعی باید استانداردهایی داشته باشد

که دفتر انتشارات کمک آموزشی به نمایندگی از سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در نظم دادن به این فعالیت و تولید وارد عمل شده است. شما وقتی کتاب آموزشی سال ۱۳۷۹ را می‌خوانید، می‌بینید ۱۸ درصد مطابق اهداف آموزش و پرورش است؛ ولی امروز با اجرای طرح استانداردسازی این نرخ به ۵۰ درصد تطابق رسیده است. یکی دیگر از فعالیت‌های این دفتر، بازآفرینی محتوای مجلات و ارائه آن در قالب پایگاه اطلاعاتی تحت چارچوب سامان کتاب بود که هر روز یک تا شش خبر تازه در این پایگاه ارائه می‌شود.

سال ۸۹ پایان فعالیت‌های انتشاراتی دفتر کمک آموزشی به منزله یک ناشر در حوزه کتاب بود. دوستان ما زحمت کشیدند و پرونده این کار بسته شد و مابقی کار به انتشارات مدرسه محول شد. مجموعه موسوعه امام حسین (ع) نیز با رونمایی از جلد بیست و چهارم در ایام ماه محرم به پایان خواهد رسید.»

جوایزی برای زمان

مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی از منظر مدیریت فرهنگی به تعیین کننده بودن زمان در امر تولید مطبوعات و به‌ویژه در مجلات رشد اشاره کرد. این در واقع مقدمه‌ای بود تا به‌نوعی از دست‌اندرکاران مجلاتی که در طی مراحل تولید با مسئولان آماده‌سازی مجلات همکاری خوبی داشتند، قدردانی شود.

گروه اول تقدیرشدگان، سردبیران و مدیران داخلی مجلات بودند. از مجله رشد تکنولوژی آموزشی آقای دکتر عادل یغما و خانم زهرا آرامون. از مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی آقای محمدرضا حشمتی و خانم فاطمه محمودیان. از مجله رشد نوآموز هم خانم افسانه موسوی گرمارودی و خانم زهرا اسلامی.

در گروه دوم گرافیست‌های مجلات هستند که زحمت صفحه‌آرایی و زیبایی بخشی بصری را تقبل کرده‌اند. در مجلات تخصصی آقای نوید اندرودی و در مجلات عمومی آقای داود صفری شایسته تقدیر شدند.



تقدیر شونندگان در چهاردهمین همایش

مفهوم تحول و رشد در قرآن کریم

دکتر محسن میرباقری سردبیر مجله رشد آموزش قرآن است. وی مفهوم تحول در آموزش و پرورش را با خواسته اصحاب کهف مقایسه کرد و گفت: «اصحاب کهف خواستند که یک تحول عظیم اجتماعی و فرهنگی به وجود آورند. ما نیز از درگاه پروردگار همین را می‌خواهیم: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هِيَ لَنَا فِي أَمْرٍ نَشْدُو.» کار عظیمی در پیش روست. کار فرهنگی از بزرگ‌ترین کارهاست. آمار، تعداد و تیراژ مجلات را نشان می‌دهد اما مگر می‌شود تعداد دل‌هایی را که از این نشریات متأثر شده‌اند، آمار گرفت؟ کارهای فرهنگی قابل آمار نیست. فقط خداوند می‌تواند آن‌ها را محاسبه کند.

اما بُعد تحول در آموزش و پرورش بسیار جای بحث دارد و کتاب‌های بسیاری نیز در وجوه گوناگون آن نوشته شده است. قرآن کریم نیز شاکله‌ای را برای تعلیم و تربیت تعریف می‌کند. اما نکته مهم این است که آسیب هم وجود دارد، از این نظر که این شاکله دارد از دست می‌رود. مضمون آیه ۱۶۴ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «خداوند بر مؤمنان منت گذاشت که پیامبری از میان آن‌ها برانگیخت. او آیات خداوند را تلاوت کرد و آن‌ها در کار ترکیه و پاک‌سازی نفس و رشد و تعالی آن شدند و به آن‌ها کتاب و حکمت آموخت.» این آیه سه بار در قرآن کریم ذکر شده است. بر این اساس، حضرت ابراهیم (ع) از خداوند

قبل از رنسانس در دنیای غرب، آن‌ها هم علم را با تزکیه همراه می‌دیدند، چون از تعلیم پیامبران تأثیر گرفته بودند. حوزه‌های علمیه ما نیز چنین بوده است. بزرگی می‌گفت: «طلبه‌ها که وارد مدرسه می‌شدند، روی یک زانوی آن‌ها کتاب درس بود و روی زانوی دیگر کتاب اخلاق و تزکیه.»

صبغة اقتصادی علم!

دکتر میرباقری به صبغة اقتصادی پیدا کردن علم در جوامع امروزی اشاره می‌کند و این که دانش‌آموزان نمره محور بار آمده‌اند. این نمره بالا نتیجه انتخاب رشته‌ای است که در اقتصاد آینده زندگی تأثیر بسیار داشته باشد و این یعنی فاصله گرفتن از تزکیه. اگر بخواهیم به صبغة قرآنی درآییم، باید علم و تزکیه را با هم ببینیم. او در ادامه حدیثی از امام صادق (ع) روایت می‌کند که می‌گوید: «کسی که برای خدا یاد بگیرد، برای خدا به علمش عمل کند و برای خدا به دیگران یاد دهد، در ملکوت آسمان‌ها او را با عظمت می‌برند و فرشته‌ها می‌گویند او عجب انسانی است!» سردبیر مجله رشد قرآن می‌گوید: «معلم از پزشک بالاتر است و نیز کسی که مجله اسلامی و فرهنگی تدوین می‌کند، کارش حساس‌تر از یک پزشک است.»

تعلیم و تربیتی را که لقمان در سورة لقمان به فرزندش ارائه می‌دهد، ببینید. ده منشور تربیتی است که با حسن ارتباط با خدا شروع می‌شود. سپس حسن ارتباط با والدین، توجه به آخرت و چند مورد دیگر؛ که نشان می‌دهد سیاست‌گذاری تربیتی دینی و ایجاد تحول الهی در قرآن به روشنی بیان شده است.»

مدرسه به منزله جایگاه علم و عمل

دکتر عادل یغما از پیش‌کسوتان عرصه تعلیم و تربیت و سردبیر مجله رشد تکنولوژی آموزشی از دیگر سخنرانان نشست چهاردهم دفتر انتشارات کمک آموزشی در مشهد بود. وی با ذکر یک تجربه



می‌خواهد در حجاز پیامبری برگزیند. این جاست که بر پایه این آیه و آیات مشابه در سوره‌های جمعه و بقره، تزکیه بر تعلیم مقدم شمرده می‌شود: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتٍ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ». خود خداوند متعال نیز تزکیه را بر تعلیم و تربیت برتری داده و شیوه پیامبران نیز همین بوده است. البته تعلیم و تزکیه با هم می‌آید، ولی نکته قابل توجه، «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» است و راهی که انبیا دنبال می‌کردند نیز همین بوده است. این مفهوم در ادبیات و حوزه‌های درسی ما نیز وارد شده است. مرحوم شهریار می‌گوید:

اول از استاد یاد آموختیم

پس سویدای سواد آموختیم

و در این جا منظور از یاد، یاد خدا و به کنایه «بسم الله الرحمن الرحيم» است.

اصولاً علم بدون تزکیه تعریف نمی‌شود. در قرآن نیز دانش منهای تزکیه تعریف نشده است. گاهی در روایات و دعا‌های ما به «علم لا ینفع» اشاره شده: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»، منظور علمی است که تزکیه‌ای در آن نیست.

گفته شده است، وسایل مورد نیاز آزمایشگاه مدرسه را بسازند.»
دکتر یغما سپس به ادامه صحبت‌های مدیر مدرسه پرداخت و گفت: «پیغام مرا به مسئولان و عوامل دفتر انتشارات کمک آموزشی برسانید که قدر گنجینه خود را بدانند. معلم‌ها به این ابتکارها و تکنیک‌ها نیاز دارند.»
از نظر سردبیر مجله رشد تکنولوژی آموزشی، مدرسه‌های ما جایگاه عمل است: «از روش‌ها، تکنیک‌ها و علوم استفاده می‌کنیم تا به تزکیه برسیم. مدارس می‌خواهند که مباحث آموزشی و تربیتی مطرح و تحلیل شود.»
وی اضافه کرد: «کنفوسیوس، فیلسوف معروف چینی می‌گوید: چهل تاریکی است. برای مبارزه با تاریکی شمشیر نمی‌کشند، بلکه



که در یک مدرسه اتفاق افتاده بود به اهمیت ابتکار و عمل به علم آموخته شده پرداخت و گفت: «این علم از طریق مجلات ما به مدرسه‌ها و مخاطبان منتقل می‌شود. مدیر همان مدرسه می‌گفت که کتابخانه ما چندان غنی نیست و در عوض قفسه‌ها را با مجلات خواندنی رشد پر کرده‌ام. روش‌های مطالعه و روش‌های تدریس را از مجلات شما یاد می‌گیریم. این خلاقیت است. هم‌چنان که او با استفاده از مجلات رشد آزمایشگاه مدرسه را هم تجهیز کرده و به معلم‌ها یاد داده است تا آن‌گونه که درمجله



منظور از تحول چیست؟

اگر چیزی تعریف روشنی نداشته باشد، مرتب تکرار می‌شود و به نتیجه هم نمی‌رسد. باید بدانیم که قرار است چه اتفاقی بیفتد و یا چه تحولی ایجاد شود. پیشتر تغییراتی در نظام آموزش متوسطه و پیش‌دانشگاهی رخ داد و جابه‌جایی‌هایی انجام گرفت، اما آیا می‌توانیم بگوییم که آن تحولی که مد نظر بود به وقوع پیوست؟

دو نمونه از درس‌های ما «قرآن» و «عربی» هستند. تجربه‌ای که دربارهٔ درس قرآن دارم این است که وقتی در شهرستان‌ها قرآن تدریس می‌کردم، می‌دیدم بچه‌ها نمی‌توانند آن را بخوانند. از همین جا به فکر من و برخی دوستان رسید که بهتر است در اول ابتدایی و سپس متوسطه، درس قرآن هم داشته باشیم. اما از آن‌جا که کارشناسی نکرده بودیم گفتیم اگر این کلاس‌ها تشکیل گردد، مسئله حل می‌شود. پیشنهاد را به دکتر حداد عادل، رییس وقت سازمان، هم ارائه دادیم. اتفاقاً پیش از ما هم چنین نظری ارائه شده بود. تا این که عاقبت درس قرآن به دبیرستان‌ها راه یافت. بعدها حتی مقام معظم رهبری نیز بر این امر تأکید کردند. دفتر تألیف هم برای پایهٔ اول ابتدایی درس قرآن گذاشت. به یاد دارم آقای حسن طاهری مسئول تحقیق این پیشنهاد بود. البته نتایج تحقیق او چندان مثبت نبود؛ چون سرانجام کار آن‌طور که ما انتظار داشتیم، نشد. ما موضوع آموزش قرآن را هنوز روشن نکرده، رفتیم سراغ درس عربی. البته همهٔ درس‌ها این مشکلات را دارند.»

اصل بی‌طرفی

سردبیر مجلهٔ رشد معلم به‌بی‌طرف بودن در رفع موانع تحول اشاره کرد و گفت: «اگر قرار است تحول ایجاد شود باید چند کار اساسی انجام گیرد. به معلم‌ها باید توجه کرد، زیرا آن‌ها بدنهٔ اجرای تحول هستند تحول، خواه ناخواه اتفاق خواهد افتاد. در این سال‌ها تحول جهانی

چراغ روشن می‌کنند. و در واقع مجلات رشد هم روشن کردن همین چراغ‌هاست. معلم‌ها، خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌توانند از این نور استفاده کنند. ما باید تلاش کنیم این جرعه‌ها و نگرش‌های جدید را در فکر اولیای مدرسه و در محیط آموزشی روشن کنیم. پس مسئولیت مجلات رشد ایجاد تحول است. این تحول فکری، معنوی، اخلاقی و از همه مهم‌تر تحول عملی است که بر معلم و مدیر مدرسه تأثیر می‌گذارد.»



موانع تحول در آموزش و پرورش

جعفر ربانی، سردبیر مجلهٔ رشد معلم، با گفتن این جمله اضافه کرد: «اگر با دید انتقادی و نقد و نظر به این موضوع توجه نکنیم، حل مسئله بعید است. سال‌هاست که در آموزش و پرورش کشور و سپس در سازمان پژوهش حضور دارم و شاهدیم که در سازمان تعلیم و تربیت ما تحول بسیاری صورت گرفته شده است؛ از جمله در وضعیت ساختمان‌ها، حقوق معلم‌ها و تفکر آن‌ها. این‌ها را نمی‌شود نادیده گرفت؛ اما آن تحولی که از آن صحبت می‌شود، چیزی دیگر است. از مهم‌ترین مشکلات این راه، روشن و واضح نبودن صورت مسئله است.»

بسیاری از نقاط دنیا را در نور دیده است. بعضی مسائل به ما تحمیل می‌شود و مجبوریم به آن توجه کنیم. با وجود این، ما باید به دنبال اشاعه امر تحول باشیم و آن را در مجلات رشد منعکس کنیم. البته می‌بینیم بعضی مدرسه‌ها خود به خود تحولاتی دارند و اگر ایده‌های خوب به آن‌ها برسد، اجرا می‌کنند. به همین دلیل، ملاحظه می‌شود که فارغ‌التحصیلان بسیار خوبی هم دارند.»

تعامل با مخاطبان مجلات رشد تخصصی

یکی از شیوه‌های ارائه مطلب، گفت‌وگوست که در نوع خود و در نشست هم‌اندیشی مجلات در مشهد بی‌نظیر و مؤثر بود. دکتر **سیاوش شایان**، سردبیر مجله رشد آموزش جغرافیا و دکتر **مهدی چوپینه** با توجه به اثربخشی این روش و بداهه‌گویی، بی‌آن‌که چندان هماهنگی قبلی داشته باشند به بحث تعامل با مخاطبان مجلات رشد تخصصی پرداخته و با گفت‌وگویی دو طرفه مسائل و مشکلات آن‌ها را به سمع و نظر حضار رساندند.

دکتر شایان: بسیار خوب! آقای دکتر چوپینه حال شما خوب است؟ یک فیلم این‌جا دیدیم. نشان می‌دهد که سفرهای استانی مسئولان مجلات رشد می‌تواند در ایجاد ارتباط با مخاطبان مؤثر باشد. به نظر شما ما در این زمینه چه امکانات و چه محدودیت‌هایی داریم؟
دکتر چوپینه: البته قبلاً توضیح بدهم که بینندگان و خوانندگان ما از این شیوه نمایشی متعجب شده‌اند. اما برای روشن شدن مطلب عرض می‌کنم که این نمایشنامه اسم ندارد و بلیت هم نمی‌خواهد. روی سخن ما با مسئولان دفتر انتشارات کمک آموزشی است. ببینید! خانمی رفت از مغازه‌ای طوطی سخن گو خرید. صبح روز بعد برگشت و گفت: «این طوطی حرف نمی‌زند.» صاحب مغازه گفت: «آیا شما در قفس آن آینه گذاشتید؟»

- نه!

- پس یک آینه بگذارید تا طوطی خودش را ببیند.



پس از چند روز خانم آمد و گفت: «فایده ندارد. حرف نمی‌زند.»
- آیا تاب هم گذاشتی؟ اگر تاب نخورد، حرف نمی‌زند.
- آن خانم همه چیز را مهیا کرد ولی روز بعد طوطی مرد. او نزد فروشنده آمد و ماقع را توضیح داد. فروشنده گفت: «حرفی نزد؟»
- چرا، دم آخر گفت: «آیا در مغازه غذای طوطی پیدا می‌شود!»
حال حکایت ما نیز چنین است. در جلسات نقد و بررسی مجلات اصرار می‌شود که دیدگاه‌ها بر ما القا گردد. با همه صبر و حوصله‌ای که ما داریم، گاهی خسته می‌شویم. چون دوستان نمی‌دانند که چه می‌خواهند! در همین سخنرانی‌های جلسه مشهد هم متوجه شدم، دوستان تفاوتی بین مجله‌های رشد عمومی و تخصصی قائل نیستند. از طرفی باید دید چه بخشی از مجله‌ها توسط مخاطبان و چه بخشی توسط عوامل داخل دفتر تهیه می‌شود. آیا استانداردی وجود دارد؟

ما می‌دانیم برخی نکات فنی و گرافیکی وجود دارد که در مجلات تخصصی رعایت نمی‌شود. گرافیک باید در خدمت محتوا باشد و نه محتوا در خدمت گرافیک. اما بعد باید اضافه کنم که من تجربه‌ای دارم از جشنواره الگوی تدریس در شیراز، مصاحبه‌هایی صورت گرفت و میزگردهایی تشکیل شد؛ البته از محتوایی که رد و بدل شد، به نوعی متوجه این نکته شدم که مجلاتی که میزگرد می‌گذارند و افرادی در آن‌ها شرکت می‌کنند، شمارگان آن‌ها بیشتر می‌شود چون شرکت‌کنندگان آن مجله را خریداری می‌کنند و حتی مجله را در گوشه‌ای نگه می‌دارند. حکایت طوطی را فراموش نکنیم. دغدغه من این است که ما زحمت خودمان را می‌کشیم اما مجله به دست مخاطب اصلی نمی‌رسد و معلوم نیست کجا می‌رود. متأسفانه این اتفاق برای مجلات تخصصی افتاده است. در جلسات و سفرها وقتی می‌پرسم آخرین شماره‌ای که خوانده‌اید کدام است، نشانی مجله دو سال پیش را می‌دهند و وقتی می‌پرسم مجله‌های دو سال اخیر چه؟ می‌گویند: ما فکر کردیم چاپ مجله متوقف شده است.»

دکتر شایان: اغلب ما با این مسئله برخورد داریم. حتی گاهی از استادان دانشگاه یا دانش‌جویان هم چنین سؤالی می‌شود و آن‌ها می‌گویند از شماره‌های جدید خبر ندارند. حال آن‌که ما تیراژ دندان‌گیری داریم، سیزده تا هفده هزار نسخه!

دکتر چوبینه: الان آخرین شماره ما نه هزار و پانصد نسخه است. **دکتر شایان:** و این نشان می‌دهد که ما سالانه در حدود چهل و یک هزار نسخه مجله داریم و این عدد آن‌هایی است که به دست مخاطب می‌رسد.

اما سؤالی که من دارم بیشتر متکی بر این است که ما چگونه باید تعامل خود با مخاطب را بیشتر کنیم؟

دکتر چوبینه: ببینید آقای دکتر! وقتی مجلات به دست مخاطب نمی‌رسد، چگونه می‌خواهید تعامل داشته باشید؟

دکتر شایان: می‌گوییم سرنوشت مجلات تخصصی چه می‌شود؟ تعامل چگونه باید باشد؟
دکتر چوبینه: اصلاً وقتی مجلات دست مخاطب نمی‌رسد، با چه کسی باید تعامل کرد؟
از طرفی من می‌گویم از این تیراژ چند شماره به دست مصرف‌کننده می‌رسد؟

دکتر شایان: من از مسئولان دفتر انتشارات کمک آموزشی تقاضا دارم شیوه‌ای را برای پی‌گیری چگونگی رسیدن این مجلات به دست مخاطبان ابداع کنند. ما امکاناتی برای ارتباط با مخاطب داریم که یکی از آن‌ها تلفنی است و البته زمان زنگ خور ما بین ساعت ۱۲ تا ۱:۳۰ است که داریم نهار می‌خوریم!

دکتر چوبینه: خوب غیر از این‌ها امکاناتی نداریم!
دکتر شایان: مشکل دیگر ما مشکل حقوقی قضیه است. ظاهراً مجلات رشد برای مشتری ارسال می‌شود و شما هم فروشگاه‌های غیر از فروشگاه مدرسه ندارید. پس همه باید بیایند تهران!

دکتر چوبینه: ولی ما فرم‌های اشتراک در مجلات داریم که با پر کردن آن مجله به نشانی مزبور ارسال می‌شود و البته این‌ها برگشتی هم دارد.

دکتر شایان: آیا شما می‌دانید مشتری‌کان مجله رشد آموزش جغرافیا چند نفر هستند؟

– فکر نمی‌کنم آمار دقیقی باشد. اما پرینت‌ها نشان می‌دهد که صد و اندی نفر باشند.

– آیا می‌شود تعداد آن‌ها را از دفتر انتشارات جویا شد؟
– اگر پرسید، ادعا می‌کنند که می‌دانند و حتی می‌توانند آن را در اختیار شما بگذارند. ولی من مطمئن نیستم.

– بهتر است از سایر دوستان هم بپرسیم و ببینیم تعداد مشتری‌کان آن‌ها چقدر است؟



نظم در مجلات رشد

نظم از اصول اولیه کار در مجلات رشد است. این یکی از ویژگی‌هایی است که در پا گرفتن و ماندگاری نشریات و هر حرکتی مهم است. **افسانه موسوی گرمارودی**، سردبیر مجله رشد نوآموز، سخنان خود را با اشاره به بحث نظم آغاز کرد و در ادامه گفت: «ما به تربیت اسلامی در مجله توجه داریم و در این مسیر به جنبه سرگرم‌کنندگی و خلاقیت در مجله اهمیت می‌دهیم. خلاقیت اوج تفکر است و اگر بتوانیم این امر را در کودکان و مخاطبان خود بیروانیم، خوراک مناسبی برای مجلات رشد دیگر خواهد بود. اما معضلی که ما امروزه با آن روبه‌رو هستیم، این است که بچه‌ها اهل تفکر نیستند.»

سردبیر مجله رشد نوآموز هم‌چنین اشاره کرد: «ما در دفتر انتشارات کمک آموزشی در یک چارچوب قرار داریم و اگر به فعالیت‌های یکدیگر توجه نداشته باشیم، راه به جایی نخواهیم برد. خانم شکوه قاسم‌نیا در مجله رشد کودک زحمت می‌کشند و ذائقه بچه‌ها را تا رسیدن به سن استفاده از رشد نوآموز آماده می‌کنند. این همان وجه تربیت اسلامی است که می‌گوید کودک تا هفت سال اول زندگی باید با سرگرمی پیش برود. به این ترتیب، اتفاقی که در رشد نوآموز می‌افتد این است که بچه‌ها با اصول اولیه زندگی به‌صورت ناخودآگاه آشنا می‌شوند. در مجله ما کودک احساس استقلال می‌کند.»

تفاوت‌های اندک، تغییرات فراوان

تفاوت‌های اندک، تغییرات فراوانی به همراه دارد. دکتر **حیدر توراتی** با اشاره به این جمله، نگرش را در مدیریت و تغییر بسیار

- خوب حالا ما دو

نفری روی هم چهار دقیقه وقت داریم.

- حال می‌رویم

سراغ سؤالی که شما

کردید؛ ما باید مخاطب

را بشناسیم. مخاطبان

ما چه کسانی هستند؟

به نوعی معلمان کنونی

جغرافیا دیگرانی که این

پتانسیل را دارند تا معلم

جغرافیا بشوند. از طرفی

استادان جغرافیا هم هستند که خواه‌ناخواه با معلمان این درس سر و کار دارند.

شما مخاطبان را دسته‌بندی کردید. اما من آن‌ها را به دائمی و لحظه‌ای تقسیم می‌کنم. آن‌هایی که شما گفتید در گروه مخاطبان دائمی قرار دارند. مخاطبان لحظه‌ای از جلوی مجله عبور می‌کنند و باید جاذبه‌هایی برای آن‌ها ترتیب داد تا مجله را مطالعه کنند.

- اما مجله ما که در روزنامه‌های فروشی‌ها عرضه نمی‌شود!

- اما روی میز معلم‌ها که وجود دارد و روی میز مدیرها و

هنر ما - اگر بتوانیم - باید این باشد که به این ترتیب مخاطبان لحظه‌ای را به مخاطبان دائمی تبدیل کنیم.

- به هر حال از حوصله‌ای که به خرج دادید، متشکرم. این

گفت‌وگوی ما با توجه به سخنان دکتر یغما روشن کردن چراغ‌هایی بود

که فرمودند. در هر حال چراغ جغرافیا نمی‌دانم چه تفاوت‌هایی دارد، اما

ما می‌خواهیم که آن را روشن نگه داریم.





اثرگذار معرفی کرد و

گفت: «نگرش‌ها این قدرت را دارند که گروه یا فرد را بالا برده و یا از هم پاشیده و نابود کنند. به برنده‌های مسابقات ورزشی نگاه کنید. نگرش آن‌ها وجه تمایزشان است و نه قابلیت یا لیاقت آن‌ها. اگر در سازمانی استعداد زیاد باشد اما نگرش حاکم مناسب

نباشد، نتیجه بد می‌شود. بر عکس. اگر سازمانی با استعدادهای پایین، نگرش خوبی داشته باشد به مراتب می‌تواند سازمان خود را بالا ببرد. وقتی نگرش ابراز شود، دیگران هم یاد می‌گیرند. مدیران سعی نکنند که با سخن‌رانی و نصیحت، نگرش دیگران را تغییر دهند بلکه با تغییر در رفتار می‌توان نگرش افراد را عوض کرد. نگرش حالت مسری دارد.

می‌گویند ماندلا برای رفتن به سخنرانی سوار هواپیما شد. ناگهان یکی از موتورهای هواپیمای او در آسمان از کار افتاد. همراهان او وحشت‌زده شدند و تنها چیزی که مسافران را آرام می‌کرد، نگاه کردن به چهره آرام ماندلا بود. پس از فرود اضطراری ماندلا به یکی از همراهان گفت: «آن بالا واقعاً ترسیده بودم.»

بدین ترتیب، انسان در حالی که خود را ترس نشان می‌دهد، می‌تواند الهام‌بخش دیگران باشد. در کار مجلات هم، نگرش مدیریت تشکیلات و سازمان بسیار تعیین‌کننده است.»

نوع نگاه

دکتر تورانی به فاصله نگرش خوب و نگرش می‌پردازد و اضافه می‌کند: «در این‌جا نوع نگاه مهم است. اگر بخواهیم کسی را ببینیم، هیچ فاصله‌ای نمی‌تواند مانع شود. یعنی فاصله بین فرصت و تهدید به نگاه انسان‌ها برمی‌گردد. نوع نگرش ماست که نوع رهبری‌مان را تعیین می‌کند.

ماتسوشیتا می‌گوید: «اگر در چهره کارگران خودت، چهره فرزندان را ببینی، یک مدیر موفق هستی.»

نگرش ما، نوع روابطمان را با کارکنان - که مهم‌ترین نقش را در موفقیت ما دارند - تعیین می‌کند. اگر می‌خواهید رهبری موفق باشید، باید دیگران شما را دوست داشته باشند.

نگرش ما می‌تواند چشم‌اندازی زیبا و مثبت به ما ببخشد. اگر می‌خواهیم تغییر کنیم باید اشتباهاتمان را بپذیریم.

وقتی داخل یک جریان هستید، به درستی متوجه ایرادها نمی‌شوید ولی وقتی از فاصله‌ای دورتر به نظاره می‌ایستید، متوجه مشکلات می‌شوید. چند سال رییس و یا سردبیر هستید و احساس می‌کنید که همه چیز را می‌دانید و هیچ‌گونه نقصی ندارید؛ آن‌گاه باید شما را عوض کنند تا متوجه اشتباهات خود شوید. ایرادی ندارد اگر از خودتان بیرون بیایید و در قالب مخاطب قرار بگیرید. از بیرون به خودتان بنگرید و به تغییر خودتان اقدام کنید. ما باید به مأموریت خود بیندیشیم.»

تحول زیربنایی و ساختار محتوا در مجله رشد علوم اجتماعی

دکتر احمد کلاه‌مال همدانی، مدیر داخلی مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، به تحول زیربنایی پرداخت و گفت در این راه باید

تکنیک‌های مسئله‌محور

دکتر همدانی با توجه به نیازهای آموزشی گفت: «ما در رسانه رشد علوم اجتماعی بیشتر به تکنیک‌های مسئله‌محور توجه کرده‌ایم؛ آن‌هم به دلیل تغییرات و تحولاتی که دائماً در سطح مسائل و فرایندهای اجتماعی دیده می‌شود. به همین جهت، از میان تکنیک‌های گوناگون، روی دو تکنیک تأکید داریم که مهم‌ترین آن‌ها طبق تفکر ایرانی، مدل مماس است. در مدل مماس چهار یا پنج مرحله مطرح است که آن را می‌توان در ۱۴ بخش به‌عنوان راهنمای عملی در این حوزه و در حوزه نیازسنجی معرفی کرد.

اما در تحول مفهومی در مجله رشد اجتماعی ما معمولاً مجموعه‌ای از کارها را انجام می‌دهیم. اولین اقدام این است که یک موضوع محوری - با توجه به مسائل و تغییراتی که در طول سال به‌وجود آمده - انتخاب می‌کنیم. سپس زوایای بزرگ آن را در ابعاد وسیع‌تر در نظر گرفته و برای هر کدام به تناسب روز در قالب‌ها و تکنیک‌های مختلف تفکیک قائل می‌شویم. آن وقت این قالب‌ها و تکنیک‌های مختلف را متناسب با این شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها انتخاب می‌کنیم. اما به‌رحال، اعتقاد داریم که مسائل اجتماعی دائماً در حال تغییر هستند و ما باید خودمان را متناسب با این تغییرات هماهنگ سازیم تا بتوانیم نقش اصلی را در تغییرات ایفا کنیم.

آن چیزی که در مجله علوم اجتماعی برای ما اهمیت دارد، این است که بتوانیم قالب‌هایی را انتخاب کنیم تا متناسب با موضوعات و در عین حال متناسب با تغییرات باشد. این که در صفحه‌آرایی و زیبایی گرافیکی و ایجاد خلاقیت، کدام قالب با کدام موضوع تناسب دارد، مسئله اصلی ماست و نمی‌توان محتوا را فدای قالب کرد.

این‌ها در کنار هم و هم‌زمان با یکدیگر پوشش دهنده و مکمل هم خواهند بود؛ زیرا این موارد را جدای از هم تصور نمی‌کنیم. در واقع، هنر و دانش باید معنادار و مکمل یکدیگر باشند.»

اصولی را در نظر بگیریم و وارد عمل شویم.

مدیر داخلی مجله رشد آموزشی علوم اجتماعی افزود: «در اندیشه اسلامی تحول، ما چهار متغیر را در نظر گرفته‌ایم: ایمان یا باور توحیدی، معاد یا بازگشت، عدل و این که هر چیزی در جای خودش باشد



و جهاد که تلاش عمیق در این زمینه صورت می‌گیرد. اما این تغییر با کدام رویکرد باید انجام شود. چیزی که ما در بررسی‌ها و مطالعاتمان دریافته‌ایم این است که تغییر باید با رویکرد جهادی انجام شود؛ تا یک رسانه بتواند رسانه موفق شود. اما جهاد به چه معناست؟ جهاد فقط جنگ مسلحانه و دفاع یا تهاجم نیست، بلکه حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و از این قبیل مسائل را نیز دربرمی‌گیرد. به همین جهت، امسال که «سال جهاد اقتصادی» نام گرفته است، ما حدود هشت بُعد آن را با توجه به سخنان مقام معظم رهبری مدنظر قرار داده‌ایم.

از همین‌جا نیز نتیجه گرفته‌ایم که رویکرد، در حوزه‌های رسانه، آموزشی و فرهنگی باید رویکردی جهادی باشد. اما در حوزه رسانه، باید در ابتدا به نیاز و نیازسنجی بپردازیم. نیازسنجی یعنی، فراهم‌سازی اطلاعات، ارزیابی سنجش، پاسخگو بودن، رشد و توسعه‌سازمانی و مسائلی از این دست.



هنر و موانع پیش‌رو

کاوه تیموری، سردبیر مجله رشد آموزش هنر، سخنان خود را به موضوع «نهضت آموزش هنر و موانع پیش‌رو و راه‌کارهای اجرایی در تعلیم و تربیت هنری» اختصاص داد.

او گفت: «هنر ابراز مافی‌الضمیری است برای نشان دادن جمال و کمال الهی. من بحث خودم را با اشاره به سه موضوع پیش‌خواهم برد: یکی بحث نهضت آموزش هنر به‌عنوان یک مقدمه مهم برای تحول، دوم توصیفی از شرایط موجود وضعیت هنری در تعلیم و تربیت کشورمان و در نهایت امکانی که در مجله رشد هنر داریم.

این که معلم تمام تلاش خودش را می‌کند تا تمام بچه‌ها را یک دست کند، هنر در حقیقت پاسخ منفی به این مسئله است که با یک نگاه متفاوت و یک نگاه دگرگونه می‌گوید: «آدمی به یک خوی و خاص نیست.»

و این استعداد نهفته‌ای که در قالب تولید و نقد هنری و تجربه زیباشناختی به‌عنوان یک ارمغان پیش‌روی بچه‌ها قرار می‌گیرد، یک تجربه گران‌قیمت است. بی‌دلیل نیست که می‌گویند: تجربه

زیباشناختی، شور و شوق و انبساط روح و بهجت را یک‌جا با هم دارد. وقتی در کلاس درس حتی دور افتاده‌ترین روستا حدود ۲۶ سال پیش از یک ظرف کاغذی که مربوط به جعبه چای بود، بچه‌ها کارت تذهیب می‌ساختند و وسط آن یک قطعه خوش‌نویسی کار می‌کردند، با همان به معراج روح می‌رفتند. ما از داشته عظیمی تحت عنوان هنر برخورداریم اما از این ذائقه عظیم آن‌گونه که باید و شاید بهره نمی‌گیریم.

فکر می‌کنم قبل از این که در پی بیان تازه‌ای باشیم، باید دنبال نگاه تازه باشیم. نگاهی تازه به داشته‌هایی از خرمن هنری که به راستی می‌تواند تأثیر تربیتی ارزشمندی داشته باشد. به جای بیان تازه، نگاه تازه می‌خواهیم و به جای توجه به درس هنر، درد هنر را نیاز داریم. این فرضی است که به‌عنوان یک پل ارتباطی برای تفاهم اولیه عرض می‌کنم. یکی از فلاسفه بزرگ هنر می‌گوید: «هنر شایسته‌ترین وسیله برای ابراز احساسات و عواطف انسانی است.»

در مقوله هنر، در حقیقت از یک گنج بی‌پایان استفاده می‌کنیم. هنر فی‌ذاته چند ارزش در تعلیم و تربیت دارد.

همه ما در کلاس‌های درس آموخته‌ایم که ۷۵ درصد یادگیری از طریق چشم‌ها، قدرت دیداری و محرکه‌های بصری اتفاق می‌افتد. با این





پرسید: «ما از طریق مجلات رشد، چه نوع تحولاتی را دنبال می‌کنیم؟» و چنین ادامه داد که: «از هشت سال پیش که زمزمه‌های تحول در آموزش و پرورش آغاز شده است، مجلات توانسته‌اند زمینه‌ساز آن باشند. ما کانال ارتباطی و تحولی مسئولان تعلیم و

تربیت کشور هستیم و حرف‌های تحول خواهانه را از طریق مجلات رشد منتقل می‌کنیم.»

چهار مسیر نگرشی

سردبیر مجله رشد آموزش ابتدایی به اصول و مسیرهای نگرشی در بحث تحول اشاره کرد و گفت: «یک مسیر، تحول خواهان هستند که می‌گویند تا اسناد بالا دستی آماده نشود، نمی‌توان انتظار تحول داشت. در سخنرانی‌های پیشین به برنامه درسی اشاره شد و این که مثلاً ساعات درسی هنر تناسب ندارد. باید پذیرفت بین تدوین کنندگان برنامه درسی هم - که برخی این‌جا حضور دارند - اختلافاتی وجود دارد. حتی سؤال می‌شود که چرا زبان انگلیسی از سال دوم راهنمایی طرح شده است؟ پس وظیفه دفتر انتشارات کمک آموزشی پرداختن به این مطالب و به‌عنوان مثال تغییر تفکر رفتارگرا و شناختی یا فراشناختی در کتاب‌های درسی بوده که انجام شده است.

مقدمات، باید از خودمان این پرسش را داشته باشیم که به غیر از هنر، چه بستر مناسبی وجود دارد که ما از این سرمایه عظیم استفاده کنیم. نکته دوم این است که تخیل بیشتر از دانش اهمیت دارد. باید به این نکته توجه کنیم که هنر این بستر را برای ما فراهم می‌کند. امروز اگر لازم است دانش آموز ما شیمی و فیزیکش هم خوب باشد، باید حس زیباشناختی او نیز تلطیف شود و با دیدن یک کار هنری و یک تابلوی نقاشی لذت ببرد. بحث ما این نیست که حتماً دانش آموز هنرمند تخصصی تربیت کنیم. اگر ما در شخصیت پایه چند رکن داشته باشیم، یکی از این ارکان، پرورش حس زیباشناختی است و دیگری توانایی لذت بردن از اثر هنری. این هم باید در کنار بعد علمی، دینی و اجتماعی، یک قدرت و بال پرواز برای دانش آموز فراهم کند.»

رسانه مکتوب و برنامه درسی

سردبیر مجله رشد هنر با اشاره به دوره ابتدایی تحصیلی و جایگاه هنر در آن، تأکید کرد: «ما به عنوان یک رسانه مکتوب، باید در خدمت برنامه درسی باشیم. ما به عنوان رسانه مکمل و تأثیرگذار باید اهداف برنامه‌ریزی درسی را یک گام به جلو ببریم. بینیم برنامه درسی برای ما چه بستری فراهم کرده است. در مقطع ابتدایی حدود ۲ ساعت هنر داریم و در پایه چهارم و پنجم این میزان ۱/۵ ساعت می‌شود و کتابی جز کتاب معلم هنر موجود نیست. مطالعات ما نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از همکاران فرهنگی ما، با مفاهیم هنری آشنایی ندارند در صورتی که نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که نقاشی و هنر خوش‌نویسی و هم‌چنین موسیقی، سه هنر قابل توجه برای پر کردن اوقات فراغت بچه‌هاست.»

چهار منظر تحول خواهی در رشد

مرتضی مجدفر، سردبیر مجله رشد آموزش ابتدایی، وی تحول در مجلات رشد را یک سوی تحول در آموزش و پرورش کشور دانست و

مسیر دیگر توجه به نظر آن‌هایی است که می‌گویند باید تحول سازمانی انجام شود. اما در ۱۵ سال اخیر، اسم معاونت آموزشی ادارات تابعه، شش مرتبه عوض شده است.

همه به اداره ضمن خدمت عادت کرده‌اند. چند ماه پیش در معاونت نیروی انسانی تغییر و تحولاتی صورت گرفت و نام آن‌جا را به «اداره کل معاصر سازی دانش، بینش و توانش فرهنگیان» تغییر دادند. من فکر می‌کردم که این عنوان را به شوخی مطرح می‌کنند اما دیدم درست است. پرسیدم کجاست؟ گفتند که همان ضمن خدمت سابق است.

دسته سوم در این مسیر می‌گویند هر تحولی که صورت می‌گیرد، باید از طریق کتاب‌های درسی باشد. اما آیا هر موضوعی به کتاب درسی مربوط می‌شود؟ وقتی معاون مجلات رشد بودم، نامه‌ای از اداره کل نان و غله استان تهران رسید مبنی بر این که مصرف جوش شیرین در نان مضر است و دستور فرمایید به مضرات مصرف جوش شیرین در کتاب‌های درسی و مجلات اشاره شود.

من پاسخ دادم که باید این موضوع را به ۲۴۰۰ ناوایی تهران بخش‌نامه کنید تا جوش شیرین به کار نبرند. و یا در مثالی دیگر بانک مرکزی تلفن می‌کند که مطلبی چاپ کنید تا مردم و دانش‌آموزان پول‌ها را کثیف نکنند. به نظر می‌آید این‌ها در واقع کتاب‌های درسی را حلال مشکلات می‌دانند و حتی گاهی برخی بدون هماهنگی می‌گویند فلان مطلب در کتاب‌های درسی خواهد آمد. آن‌گاه هر وزیری که منصوب می‌شود از کاهش حجم کتاب‌های درسی خبر می‌دهد و ما در این بین سردرگم مانده‌ایم.

دسته چهارم مسیر تحول را از طریق معلمان می‌جویند. اما شما از رییس یک اداره و یا یک معلم بپرسید که سند ملی آموزش و پرورش و یا برنامه درسی ملی چیست؟ گاهی می‌گویند چیزهایی شنیده‌اند. می‌گوییم آیا اجرا می‌کنید؟ می‌گویند: «کلاس در اختیار ماست و با هر روش که بخواهیم تدریس خواهیم کرد.» در پایان می‌خواهم بگویم اگر اسناد بالا دستی تحول را تدوین کنیم و اگر ساختارها را به هم

بریزیم، و یا کتاب‌های درسی را قطورتر یا کم‌حجم‌تر کنیم ولی معلم را مورد توجه قرار ندهیم، هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.»

تحول در پژوهش

فریبا کیا، کارشناس ارشد حوزه سامان بخشی کتاب‌های آموزشی به ضرورت تحول و قدمت ۵۰ ساله مجلات رشد اشاره کرد. از نظر وی کمیت و کیفیت مجلات رشد در خاورمیانه و جهان بی‌رقیب است و جشن انتشار دویست و پنجاهمین شماره رشد معلم در پاییز سال ۱۳۸۹ این را نشان داد.



خانم کیا ادامه داد: «از سال ۱۳۴۲ که مجله‌های پیک دانش‌آموزی منتشر شدند تا حال که ۳۰ عنوان مجله «رشد» تخصصی و عمومی و با شمارگان ۳۶ میلیون نسخه چاپ می‌شوند، قوانین و اهداف مشخصی بر

آن‌ها حاکم است. یکی از نگرش‌ها این بود که چون نمی‌شود بعضی مطالب را در کتاب‌های درسی گنجاند، با توجه به ویژگی‌های فردی، فرهنگی و اقتصادی دانش‌آموزان کشور، سرفصل‌هایی در مجلات در نظر گرفته شود که مقاصد مذکور را در بر بگیرد. بنابراین به‌طور خلاصه می‌شود گفت که مجلات رشد در پی آن هستند که فرایند آموزش را از انحصار کتاب‌های رسمی درسی خارج ساخته و با ایجاد تنوع و تکثر در شیوه‌های آموزش، فضایی جذاب و لطیف برای عمق‌بخشی آموزش و تربیت ایجاد کنند. از اهداف

دیگر مجالات، ارتقای دانش عمومی، آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت همبستگی اجتماعی و هویت دینی - ملی دانش‌آموزان، رشد استعدادها و قوه ابتکار آنان، ایجاد نشاط و فرصتی برای سرگرمی مخاطبان است.»

ضرورت به‌روز شدن

این پژوهشگر گفت: «با نگاه به مجالات درمی‌یابیم به روز شدن و نوآوری نیاز مستمر رشد است و مسئولان باید به آن توجه کنند. همراهی با اقتضای زمان موجب می‌شود که مخاطبان اصلی خود را از دست ندهیم. مجالات رشد باید در این عرصه، پژوهش را سرلوحه کار خود قرار دهند، زیرا شرط بقا در عرصه رقابت‌های غیر قابل تصور، هوشمندی، توجه به تطابق تولیدات آموزشی و تنوع دیدگاه‌های مخاطبان است.»

در عصر ما برخی دانش‌آموزان از معلمان خود پیشی گرفته‌اند؛ همان‌طور که برخی از آن‌ها از والدین خود پیش افتاده‌اند. برای حفظ اقتدار خود، مکانیزم پایش و ارزیابی دقیق از عناصر اصلی و پنج‌گانه ارتباطات در عرصه رسانه ضروری است.»

روح تحول و مجالات رشد

دغدغه‌های مشترک سردبیران و کارشناسان مجالات رشد تا به این‌جا طرح شده است. **محمد رضا حشمتی** نیز می‌خواهد از زاویه‌ای دیگر این نظرات و حرف‌ها را بیان کند. او خود را معلم می‌داند و می‌گوید در این زمینه لازم است به همه دیدگاه‌ها توجه کرد. حشمتی اضافه می‌کند: «به باور من آنچه برای پیاده کردن تحول در آموزش و پرورش در حال اجراست نگران‌کننده می‌نماید و نیاز است برای تحول از مسیر دیگری حرکت کنیم. بعضی می‌گویند برای اجرایی کردن تحول در تمامی ابعاد، پژوهش لازم است و نیازی به الگوریتم‌های پیچیده نیست.»

اما از نظر من در تصمیم‌گیری برای مسائل و موضوعات تحول باید به ویژگی‌های ساختاری و چگونگی تحول توجه کنیم. در نگاه دیگر یکی از عمیق‌ترین خطاها در مفروضات ما این است که تصور می‌کنیم تعارضات غیر قابل حس، حاکی از آن هستند که طرف مقابل رفتاری غیر تحولی دارد و حتی بدتر از آن، عدم فهم مناسب مفهوم تحول است. آنچه در ساختار آموزش و پرورش در حال شکل‌گیری است، «جسم تحول» است و به «روح تحول» که معلم باشد، توجهی نشده است.

از خطاهای نگرشی این است که برنامه‌های تحول برای معلمان بوده و نه با معلمان. در تحول به عناصری همچون زود قانع نشدن، سعه‌صدر، عشق به حقیقت و شجاعت، اعتراف به اشتباه و باور به مراتب حقیقت باید توجه شود. ولی ما گرفتار برنامه‌ریزی هستیم، بی‌آن‌که با افراد مرتبط با دانش‌آموزان یعنی



معلمان ارتباط برقرار کنیم.

و اما مجالات رشد با توجه به تجربه و فعالیتی که در سال گذشته و حتی در سال ۹۰ در زمینه مطالب و آزمون‌های ضمن خدمت داشتند، به‌طور جدی می‌توانند به بحث تحول بپردازند. بازنگری در مأموریت‌های دفترانتشارات کمک آموزشی در این زمینه می‌تواند موفق باشد. سرعت ارتباط و انتقالی که در مجالات رشد برای تولید محتوا وجود دارد، در کتاب‌های درسی دیده نمی‌شود. مجالات رشد در امر مأموریت خود و تحول نیاز به تغییر و بازاندیشی دارند.»

توزیع مجله، فعالیتی عملیاتی

سید کمال شهبابلو،

معاون برنامه‌ریزی و انتشارات سخنان خود را به توزیع مجلات و همچنین مسائل مالی و پشتیبانی معطوف کرد. وی با توجه به نگرانی‌هایی که سردبیران و مدیران داخلی در ارتباط با تأخیر یا ناهماهنگی توزیع مجلات



دارند، مراحل را برشمرد که توزیع مجله می‌طلبد و آن را فعالیتی عملیاتی و مهم ارزیابی کرد. معاون برنامه‌ریزی و انتشارات در سخنان خود به نمودارهای کمی تعداد دانش‌آموزان و شمارگان مجلات اشاره کرد و گفت: «در ده سال گذشته شمار دانش‌آموزان کاهش یافته و در عوض تعداد مخاطبان رو به فزونی بوده است و این تفاوت عمده در مقایسه مجلات با کتاب‌های درسی عیان می‌شود.»

سفرهای استانی

معاون برنامه‌ریزی و انتشارات هم‌چنین به سفرهای استانی دفتر انتشارات اشاره کرد و یکی از دلایل دقت در تناسب بین تیراژ و درخواست مخاطبان را افزایش سفرهای استانی و ارتباط تنگاتنگ با استان‌ها از سال ۱۳۸۸ به بعد دانست. وی به روش دیگری در اشتراک مجلات پرداخت و گفت: «بازاریابی ما در نمایشگاه‌های مطبوعات باعث شده تا علاقه‌مندان با پر کردن برگه اشتراک و اشتراک انفرادی جزو مخاطبان ما شوند. بدین ترتیب، نسبت به دو سال پیش، مشترکان ما ۲۰۰ درصد افزایش داشته‌اند. نشست‌های نمایندگان توزیع مجلات

رشد که به‌طور سالانه برگزار می‌شود، در تبیین سیاست‌های دفتر و فعالیت‌های آن باعث توسعه کمی و کیفی مجلات در سطح استان‌ها شده است. در پی این فعالیت‌ها و نگاه توسعه‌ای، ما اصرار داریم که در سال آینده تیراژ مجلات به چهل میلیون نسخه در سال برسد. اینک مجلات رشد برای دانش‌آموزان خارج از کشور هم ارسال می‌شود.»

نرم‌افزار جامع توزیع

شهبابلو درباره سازمان‌دهی بیشتر توزیع گفت: «در سال‌های گذشته فعالیت توزیع از دفتر انتشارات آغاز می‌شد اما در استان‌ها این نظارت و اطلاع‌رسانی به عهده نماینده مجلات بود. طبیعتاً ما هم روی کار نماینده مجلات رشد نظارت مناسبی نداشتیم و اتفاقی که می‌افتاد، نبود هماهنگی و پاسخ‌دهی به مخاطب و مشترک بود. به این صورت، حتی اشتباهاتی نیز به‌وجود می‌آمد که در پی خود هزینه‌هایی را تحمیل می‌کرد. به همین دلیل، نرم‌افزار جامع توزیع در سراسر کشور طراحی شد تا مثلاً نماینده‌ای در زابل ببیند که آیا مجله رشد جوان در انبار موجودی دارد یا نه. این دسترسی از اولین مراحل تا پله‌های پایانی زیر نظر ماست و حتی مدرسه‌ها را نیز پوشش می‌دهد. از تیر ماه سال ۹۰ و پس از آموزشی دوساعته، نمایندگان می‌توانند از این سیستم استفاده کنند.»

شور و نشاط در بخش فنی

کاظم طلایی در بخش نظارت هنری و گرافیک مجلات رشد به حس‌ی بودن کار در این بخش اشاره دارد و می‌گوید: «در بخش هنری و گرافیک باید فضایی ایجاد شود که شور و نشاط و نوآوری در آن تبلور یابد. قسمتی از این وظیفه بر عهده من و کارکنان بخش هنری و تولید فنی بوده و بخشی هم به عهده سردبیران و تحریریه مجلات است. هر گاه تعامل این دو بخش بیشتر شود، محصول کار نیز دل‌چسب‌تر خواهد شد.»

شهرستان‌ها نمی‌فرستیم و از نیروهای ذکر شده در هر شهر استفاده می‌کنیم. این‌جا نگاه ما به تصاویر دیجیتال است و از تصاویر آنالوگ استفاده نمی‌کنیم، مگر این‌که از موجودی دفتر انتشارات باشد. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم تصاویر را بدون مراجعه به آرشیو دانلود



کنیم و در اختیار همکاران بگذاریم. در عنوان مرکز ما «منابع مکتوب» دیده می‌شود که شامل اسناد پژوهشی دفتر انتشارات است و از طرفی یک نسخه از مجلات چاپ شده نیز در آن نگهداری می‌شود.»

تغییر و تحول مخاطبان

مسئول مرکز مطالعات دفتر انتشارات کمک آموزشی دغدغه مرکز تحت مسئولیت خود را کیفیت‌بخشی به امور دفتر دانست و گفت: «ما هم در این مرکز سعی کرده‌ایم به نوعی به اندیشه تحول‌خواهی کمک کنیم.»

فریبرز بیات اضافه کرد: «برای تولید مجله، شناخت مخاطب موضوعی اساسی است و همه کارشناسان و سردبیران به این امر وقوف دارند. در سالی که گذشت، یک پژوهش ملی در دفتر انجام شد که طی آن فرم‌های نظرسنجی در سطح ۷۰ هزار نمونه به ۲۰ استان کشور ارسال شد. از این مقدار، تعداد ۱۵ هزار فرم برگشت و استخراج شد که ۲۰ گزارش ملی را شامل شده بود. از این تعداد، پنج مورد به مجلات دانش‌آموزی و یک مورد به مجلات معلمان مربوط بود. برای توضیح بیشتر و نحوه فعالیت باید عرض کنم که در تحقیقات علوم اجتماعی

ناظر کیفی - هنری مجلات رشد ادامه می‌دهد: «کار هنری ذاتاً این‌طور نیست که طی چند سال با یک فرمول و ساختمان پیش برود. هر مجله‌ای با شرایط خود و نگاه سردبیر و نویسندگان و طراحان گرافیک آن مجله به تعریف و جامعیت می‌رسد.»



مرکز منابع دیداری و نوشتاری

مجلات رشد پس از تولید، در مرکز منابع دیداری و شنیداری به شکل فایل PDF حفظ می‌شود. این بخش در سال ۱۳۶۱ به دستور ریاست وقت سازمان آقای حداد عادل با عنوان «آرشیو عکس و اسلاید سازمان» با ۶۰۰۰ قطعه عکس موجود در دفتر مجلات ایجاد شد. این توضیحات ابتدایی توسط **پرویز قراگوزلو**، مدیر مرکز منابع ایراد شد. وی سپس افزود: «امروزه، برای هر عکس چند کلمه کلیدی تعریف شده است که با درج آن‌ها سوژه مربوط به دست می‌آید.»

جشنواره عکس رشد

فراخوان هفتم جشنواره عکس رشد در سال ۹۰ اعلام خواهد شد. قراگوزلو ضمن اظهار این خبر گفت: «در سال ۹۱ جشنواره هفتم عکس رشد برگزار خواهد شد و این در نوع خود قدم مؤثری در غنی‌سازی مرکز منابع از لحاظ عکس و همین‌طور شناسایی عکاسان حرفه‌ای و آماتور در سطح کشور است. بانک عکس که از جشنواره‌های سال‌های گذشته تأسیس شده، الان در حدود هزار قطعه تصویر دارد. به این صورت و با شناسایی عکاسان مجرب، ما دیگر عکاس‌های خود را به

تعدادی از متغیرها به‌عنوان متغیر اساسی تلقی می‌شود از جمله: سن، جنس، دین، شغل، خانواده، محل سکونت و مشکلات یا نیازها. از این طریق به تصویری از مخاطبان خود رسیدیم. به‌عنوان مثال در مجلات معلمان دریافتیم از نظر سنی ۶۳ درصد معلمان که برای آن‌ها مطلب می‌نویسیم بین ۳۶ تا ۵۰ سال سن دارند. مقتضای سن میانه این است که ببینیم آن‌ها چه مسائل و نیازهایی دارند. این یافته مهمی است. میانگین سنی حدوداً ۳۸ سال را شامل می‌شود. متغیر اساسی دیگر



جنسیت بود. ۷۰ درصد مخاطبان ما خانم‌ها هستند. آن‌ها در بخش همکاری با مجلات هم تعداد بیشتری را شامل می‌شوند. حال ما از این یافته آیا در نمی‌یابیم که: معلمان زن انگیزه یادگیری بیشتری دارند؟ آیا زن‌ها فرصت بیشتری دارند؟ آیا تعادل جنسیتی را در مجلات خود رعایت کرده‌ایم و رویکرد جنسیتی مطالب ما چقدر است؟

منابع مطالعاتی مخاطبان

بیات درباره این که معلمان آیا فقط مجلات رشد را مطالعه می‌کنند یا نه، گفت: «ما در فضایی رقابتی قرار داریم که طبق آمار و بررسی، منابع مطالعاتی اولیه مخاطبان ما روزنامه‌ها، مجله موفقیت، خانواده سبز و خانواده است. یعنی جایگاه مجلات رشد به نوعی بعد از مجلات و جراید عمومی است. در نظرسنجی‌ای که از شیوه مطالعه مجله رشد کودک شده است، تنها ۱۸ درصد به تنهایی قادرند این مجله را مطالعه کنند. ۷۵ درصد با

پدر و مادرشان و ۶/۴ درصد هم با معلم خود مجله را مطالعه می‌کنند.»

عمل‌گرایی، مهندسی مفهومی

ناصر نادری، معاون مجلات دفتر انتشارات کمک آموزشی، در پایان نشست سالانه مشهد به لزوم دست‌مایه قرار دادن نظرات و فرضیه‌های ارائه شده پرداخت و افزود: «دفتر انتشارات، دفتری عمل‌گراست و نیاز دارد که این مهندسی مفهومی را خیلی علمی و به روز انجام دهد. شتابی که در دنیا و همین‌طور رسانه‌ها دیده می‌شود، بر مخاطبان تأثیر می‌گذارد. سیاست کلی دفتر این است که با نگاهی علمی، حرفه‌ای و اخلاقی به پدیده‌های تعلیم و تربیت، جامعه، فرهنگ و هنر بنگرد و به‌گونه‌ای آسیب‌شناسانه و به دور از هیاهو، حوزه‌های فرهنگ را بررسی کند. از این که دوستان و همکاران در بیانات خود به نقاط ضعف اشاره کردند، خوشحالم و این فرصتی است تا در این مباحث تأمل کنیم.»

خطرات پیش روی مجلات در راه تحول

دکتر **زهرا گویا**، سردبیر مجله رشد آموزش ریاضی به نقش بی‌بدیل مجلات تخصصی و عمومی رشد در طول عمر خود اشاره کرد و گفت: «ما قبلاً مجلات پیک در پایه‌های گوناگون را داشتیم و حالا نیز بی‌انقطاع مجلات رشد را در اختیار داریم و نگذاشته‌ایم برای دانش‌آموزان و دست‌آوردان مجله خلاء به‌وجود بیاید. مجلات عمومی رشد از نظر من مصداق روشنی در برنامه درسی پنهان و برنامه‌های فوق‌برنامه بودند و بچه‌ها با شور و شوق آن را مطالعه می‌کردند. در کنار رشدهای عمومی، مجلات تخصصی هم طبق آیین‌نامه تأسیس شد. از مسئولیت‌های ما به نوعی آموزش‌های ضمن خدمت و قبل از خدمت معلمان در نظر گرفته شده بود و منظور البته ریاضی بود و نه رشد «آموزش» ریاضی. از ارزش‌هایی که مجله ما دارد، ارائه مقالات در کنفرانس‌های



آموزش ریاضی ایران است. در این کنفرانس که سال ۱۳۸۹ برگزار شد، قسمت عمده مقالات از رشد آموزش ریاضی بود.

این موضوع نشان می‌دهد که معلم‌های ما مجله را می‌خوانند و از این طریق توانایی خواندن، نوشتن و تولید پیدا می‌کنند. ما گاهی مقالاتی داریم که مؤلف مشترک دارد. این به خاطر آن است که ایده علمی را گرفته‌ایم و پرورش داده‌ایم تا به این صورت هم معلم مطرح شود و هم این ایده به شکلی علمی معرفی گردد.

البته در چند ماه گذشته احساس کردم یک دفعه از تعداد مخاطبان ما کم شده است. از سوی همکاران سایر مجلات تخصصی موضوع را پی‌گیری کردم و متوجه شدم آن‌ها نیز با کم‌اقبالی مخاطب روبه‌رو هستند. بررسی‌ها نشان داد که چاپ مقاله در مجلات رشد که علمی، پژوهشی و علمی، ترویجی هستند برای اخذ ارتقای شغلی معلمان کافی نیست. این فاجعه‌ای است که حتی در دانشگاه‌ها نیز رخ داده و تولید علم به تولید کاغذ محدود شده است.»